

گزارش نخستین سفر فریزر به استرآباد  
سفر و ماجراجویی  
در ایالت های ایرانی  
سواحل جنوبی دریای خزر



تألیف جیمز بیلی فریزر (۱۷۸۳-۱۸۵۶)

برگردان: مهناز بغیری\*

این کتاب از دو جنبه در حوزه ی مطالعات تاریخی استرآباد حایز اهمیت است؛ نخست؛ تاریخ نگارش آن، که این کتاب را در زمره ی قدیمی ترین سفرنامه های مربوط به استرآباد قرار داده، و دیگری؛ مسیر ورود به استرآباد، این کتاب از این لحاظ نیز جزو معدود سفرنامه های مربوط به شمال ایران است که از شمال شرقی ایران (دشت گرگان و ایالت استرآباد) آغاز شده است. اهمیت این موضوع در این است که؛ مسافرانی که پس از گذشتن از اقلیم خشک ایران، وارد منطقه ی سرسبز سواحل جنوبی دریای خزر می شدند، در بدو ورود، تفاوت های بارزی را در سیمای طبیعی و کالبدی نقاط مسکون و غیر مسکون این سرزمین ها احساس می-کردند. اما نکته این جاست که معمولاً ذکر ویژگی ها و جزئیاتی را که از نظر آن ها تفاوت محسوب می شد، بیشتر در معرفی نقطه ای که وارد شده اند می نوشتند و در سایر نقاط چون شباهت هایی وجود دارد، از ذکر این ویژگی ها خودداری می کردند. به همین دلیل است که مسافرانی که از نواحی شمال غربی و شمالی (گیلان و مازندران) وارد شده اند، زمانی که به استرآباد رسیده اند، به آن اندازه که در مورد آن نقاط توضیح داده اند، در مورد استرآباد چیزی نگفته اند. بنابراین چون در سفرنامه ی فریزر، مسیر از شرق به غرب است، اطلاعات این سفرنامه در باب به استرآباد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

\* کارشناس ارشد  
آموزش زبان  
انگلیسی

## نویسنده کتاب

مؤلف این کتاب؛ جیمز بیلی فریزر (۱۷۸۳-۱۸۵۶)، سیاح، نویسنده، و نقاش اسکاتلندی، پسر ارشد «ادوارد سچل فریزر» و نوهی «جیمز فریزر»، نویسنده‌ی کتاب «تاریخ نادر شاه» (لندن. ۱۷۴۲) است. وی در «ادینبورگ» به دنیا آمد، دوران کودکی خود را در خانه‌ی پدری در «مونیاک» گذراند و قبل از تحصیلات ابتدایی در ادینبورگ، در خانه آموزش دید. فریزر در شانزده سالگی به «بربایس» در «گویان» رفت، تا مزارع مقروض قند و پنبه خانواده‌اش را مدیریت کند، اما از آن‌جا که سرمایه‌گذاری موفق نبود، در سال ۱۸۱۱، ناکام، به اسکاتلند بازگشت.

فریزر چون نتوانست شغل مناسبی در زادگاه خود پیدا کند، در اوایل ژانویه ۱۸۱۳، از راه دریا به هند رفت. کشوری که هر چهار برادرش، به واسطه‌ی استخدام در کمپانی هند شرقی، در آن ساکن بودند. پس از انجام کسب و کار مشارکتی، کوتاه مدت، در کلکته، برای پیوستن به برادر دوم خود، ویلیام، در یک دیدار سه ماهه از نواحی هیمالیا (مه-ژوئیه ۱۸۱۵) به شمال سفر کرد، که در طی این سفر؛ به ترسیم و نقشه برداری از این کشور ناشناخته پرداخت، نمونه‌های زمین‌شناسی را جمع‌آوری، و یک گزارش دقیق تهیه کرد. فریزر در ماه ژوئن ۱۸۱۶ از دهلی به کلکته بازگشت و در حالی که هنوز هم بیشتر به نقاشی و نوشتن علاقه‌مند بود، دوباره شانس خود را در تجارت امتحان کرد. اما از آن‌جا که دل‌تنگ خانه بود، در مه ۱۸۲۰ کلکته را برای همیشه ترک کرد. در همان سال، گزارش ۵۴۸ صفحه‌ای او به همراه بیست نمونه از نقاشی‌های آبرنگ وی از هیمالیا به صورت سیاه‌قلم، در لندن، منتشر شد.

فریزر ابتدا از کلکته به دهلی، سپس از طریق راجستان به بمبئی سفر کرد و در آن‌جا در مأموریت سفر به ایران، برای کمپانی هند شرقی، به دکتر «اندرو جوکز» پیوست. آن‌ها در تاریخ ۴ اوت ۱۸۲۱ (۱۳ مرداد ۱۲۰۰-۵ ذق ۱۲۳۶) به بوشهر رسیده، پس از آن از طریق شیراز به اصفهان سفر کردند، اما جوکز بر اثر وبا در اصفهان فوت کرد. پس از این اتفاق، فریزر با دکتر جان مک‌نیل (بعدها سرجان) سفر خود را به سوی تهران ادامه داد. این سفر آغاز یک دوستی طولانی بین این دو نفر بود. فریزر با پوشیدن لباسی همچون یک تاجر فارسی، از تهران به قصد مشهد خارج شد. وی از مسیر سمنان، شاهرود و نیشابور به مشهد سفر کرد، اما به دلیل آشفتگی‌های سیاسی، از رفتن به بخارا و سمرقند منصرف شد و به جای آن، پس از شش هفته اقامت در مشهد، در ۱۱ مارس ۱۸۲۲ (۲۰ اسفند ۱۲۰۰-۱۷ ج ۱۲۳۷/۲) آهنگ سفر به سمت ایالات شمال غربی ایران را ساز کرد و به سوی رادکان، قوچان و بجنورد رهسپار شد. وی از مسیر دیاربلی قانون و کمتر شناخته شده‌ی ترکمن، به استرآباد و سپس در امتداد حاشیه‌ی دریای خزر، از مسیر رشت به اردبیل و تبریز سفر کرد. از آن‌جا، از یک مسیر انحرافی به دریاچه‌ی ارومیه رفته و سرانجام پس از حدود هشت تا ده ماه اقامت در ایران، از طریق تغلیس، اودسا، و وین به انگلستان بازگشت و در اواخر ژانویه

۱۸۲۳ (بهمن ۱۲۰۱ - ج ۱/۱۲۳۸)، پس از یک غیبت ده ساله، به خانه رسید. او در همان سال ازدواج کرد، اما هرگز صاحب فرزندی نشد.

پس از آن، فریزر به مدت یک دهه، وقت خود را در رفت و آمد بین لندن و اسکاتلند گذراند و در این مدت هفت کتاب طولانی (سفرنامه و داستان) نوشت، که همه‌ی این کتاب‌ها به جز یک مورد، پس زمینه‌ی ایرانی داشتند. از این میان، جالب‌ترین آن‌ها «روایت سفری به خراسان» در سال ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲، شامل تعدادی گزارش در مورد کشورهای شمال شرق ایران با توضیحاتی در مورد شخصیت‌های ملی، دولت و منابع پادشاهی (لندن، ۱۸۲۵)، «سفر و ماجراجویی در ایالت‌های ایرانی سواحل جنوبی دریای خزر»، همراه با ضمیمه‌ای شامل اطلاعات کوتاهی در مورد زمین‌شناسی و بازرگانی ایران (لندن، ۱۸۲۶)، و «گزارشی تاریخی و توصیفی از ایران از اولین دوران تا کنون» (ادینبورگ، ۱۸۳۴) است. همگی کتاب‌های مذکور دارای اطلاعاتی در مورد ایران هستند، البته برخی از این اطلاعات، همان‌طور که فریزر خود اذعان کرده، از آثار نویسندگان پیشین جمع‌آوری شده، اما بسیاری از آن‌چه که در مورد طبیعت کشور، دولت و شخصیت‌های تأثیرگذار، درآمد، ارتش، مذهب، ساختمان‌ها، و غیره در این کتاب‌ها آمده، جدید و محصول مشاهدات و برداشت‌های خودش است. او به شدت به انتقاد از شخصیت ایرانیان پرداخته و آن‌ها را به خاطر شاهان خودکامه‌ی قاجار سرزنش کرده است. فریزر توصیفی دست‌اول و نادر از قبایل ترکمن و همچنین از زیارتگاه‌های قم و مشهد ارائه می‌دهد. وی مخفیانه و با لباس مبدل، به میان قبایل ترکمن و همچنین به شهر قم و حرم مطهر حضرت معصومه (س) وارد شده، اما در مشهد، توسط یک دوست روحانی، تبدیل به یک مسلمان واقعی شده و آشکارا، بدون هیچ‌گونه مزاحمتی، البته پس از خواندن شهادتین و اعلام مسلمان شدن، وارد حرم مطهر امام رضا (ع) شد. کتاب «گزارشی تاریخی و توصیفی از ایران، از نخستین دوران تا کنون» نیز که مزین به تعدادی از نقاشی‌های وی است، در زمان خود، دانشنامه‌ای‌ترین گزارش از ایران به زبان انگلیسی بود. در دو رمان اول و طولانی فریزر یعنی؛ «قزلباش: داستان خراسان» (۳ جلد. لندن، ۱۸۲۸)، و پس از آن، «ماجرای جوی فارسی، عاقبت قزلباش» (۳ جلد. لندن، ۱۸۳۰)، نادرشاه شخصیت اصلی داستان بود. فریزر یک دانش پژوه فارسی نبود و بعید است که این دو رمان را از یک سند بومی، برای خواننده‌ی انگلیسی، اقتباس و ترجمه کرده باشد، بنابراین اطلاعات این دو رمان باید برگرفته از منابع متعددی چون؛ «کتاب تاریخ نادرشاه»، تألیف پدربزرگش، که یکی از همراهان نادرشاه بوده است، باشد. کتاب «قصه‌های کاروانسرای: داستان خان» (لندن، ۱۸۳۳) رمان تاریخی طولانی دیگری است که در دیار ترکمن، دیار مورد علاقه‌ی فریزر، در دوره‌ی زمانی سلطنت نادرشاه، تنظیم شده است.

سفرها و کتاب‌های فریزر او را به یک ایران‌شناس متخصص تبدیل کرد. چنان‌که در سال ۱۸۳۳ دولت بریتانیا که نگران از سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه بود، او را به انجام

مأموریتی در ایران و بین‌النهرین دعوت کرد. دولت بریتانیا از وی خواست تا در این مأموریت به سرزمین‌های مذکور سفر کرده، و به صورت مخفیانه در مورد فعالیت‌ها و نفوذ روسیه و میزان قدرت دولت عثمانی بر قبایل کُرد، گزارش دهد. فریزر به قصد این مأموریت، لندن را در پایان دسامبر ۱۸۳۳ ترک کرد. این سفر تا ماه مه ۱۸۳۵ ادامه داشت. وی نزدیک به هجده ماه، بیش از ۱۰۰۰۰ مایل سفر کرد، اما سفری کم‌توقف و از روی عجله، یعنی؛ سوار بر

76 ACCOUNT OF THE PROVINCES OF PERSIA.



Remains of Caos, a Tower at the Ruins of Fozan, near Arak.

... as well as by the Attruck and many lesser streams. Vestiges of former population are thickly spread over its surface; but the Turkomans first ravaged, and then occupied it as a grazing-ground for their flocks and herds.

An ancient tower, called Gocombus e Caos, stands on a little hillock, probably artificial, in the wide plain, and is seen from an immense distance. It is of exquisite brickwork, and except at the bottom, where a mischievous attempt has been made to demolish it, is in as perfect a condition as when first built. The walls are ten feet thick, and the height is about 150. It is hollow; the cavity being undivided to the very top, where a single window in

اسب و به تنهایی و اغلب در شرایطی خطرناک، از جمله؛ آب و هوای سخت زمستان، که دست‌آورد کمی برای مردی با سن بیش از ۵۰ سال نبود. او از طریق وین، قسطنطنیه، ارزروم و تبریز به تهران رفت و از همین مسیر نیز بازگشت. در این مأموریت، تهران به عنوان پایگاه وی برای دو سفر جداگانه بود: الف) مه-ژوئیه ۱۸۳۴: تهران، مشهد، رادکان، بجنورد، چشمه علی، تهران. ب) اوت ۱۸۳۴-مارس ۱۸۳۵: تهران، آمل، رشت، تبریز، ارومیه، ساوج بلاغ (مهاباد)، سلیمانیه، بغداد، کرمانشاه، تهران و سپس به لندن.

در زمان بازگشت به لندن، وزارت امور خارجه او را برای انجام پاره‌ای کارها، تا ۱۸۳۹ استخدام کرد. وی ابتدا یادداشت‌های طولانی متعددی در مورد شرایط ایران و بین‌النهرین، همراه با چندین پیشنهاد و توصیه نوشت. فریزر ایران و افغانستان را به عنوان موانع اساسی در برابر اقدامات

۳- نقاشی فریزر از برج قابوس، از کتاب «سفر و ماجراجویی در ایالت‌های ایرانی سواحل جنوبی دریای خزر»

روسیه در دست‌یابی به هند می‌دید و می‌خواست استقلال ایران «با همه خطراتش» حفظ شود. هدف بریتانیا از فرستادن فریزر به این مأموریت؛ «مقاومت در برابر قدرت و پیشرفت روسیه» و «از بین بردن نفوذ روسیه» بود. وی برای این منظور، توصیه کرد که بریتانیا باید «تا حد امکان ظریف، اما قاطع و مستقیم» در کار دولت ایران دخالت کند، و دیگر این‌که

قائم مقام «طرفدار روسیه» باید اخراج و وزیر بریتانیا «یک نجیب زاده‌ی دارای رتبه و شخصیت» به قدرت پشت پرده‌ی سلطنت ایران تبدیل شود. او همچنین توصیه کرد که بریتانیا باید با خانان فرارود اتحاد تدافعی تشکیل دهد و از طریق بارانه، به متنفذ اصلی «در هر ایالت آسیایی از سند به بسفر» تبدیل شود.

فریزر در ژوئن ۱۸۳۶، به عنوان افسر اسکورت و یا مهمان دار سه نفر از شاهزادگان قاجار؛ رضاقلی میرزا، تیمور میرزا، و نجفقلی میرزا، که به دنبال درخواست کمک و حفاظت از دولت بریتانیا به لندن آمده بودند، منصوب شد. او آن‌ها را در طول سه ماه اقامتشان در لندن، در سراسر اروپا تا قسطنطنیه، در مسیر بازگشتشان به بغداد، اسکورت کرد. حمایت فریزر از این شاهزادگان، عامل مهمی در تصمیم دولت بریتانیا برای حمایت از آن‌ها در غالب حقوق سالانه ۲۰۰۰ پوند بود. در ژوئن ۱۸۳۸ وزارت خارجه به فریزر اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند او را استخدام کند، اما با این وجود، او را به عنوان مهمان دار حسین خان مقدم مراغه‌ای (نظام‌الدوله، آجودان باشی)، در طول مأموریت کوتاه وی به لندن در ماه‌های ژوئن-ژوئیه ۱۸۳۹ فراخواندند.

همچنین وی در طول سال‌های ۱۸۳۵-۱۸۳۸، برای نگارش مقالات و جزواتی به منظور بیداری افکار عمومی، راجع به تهدید روسیه، توسط وزارت امور خارجه بریتانیا استخدام شد. در این زمان جان مک‌نیل، که موقتاً از تهران بازگشته بود، به همراه دیوید اورکارت، که هر دو همانند خودش نسبت به روس‌ها پارانوایی بودند، برای مدتی در نگارش مقالات و جزوات به وی کمک کردند. البته هم‌زمان، فریزر به نوشتن کتاب ادامه داد. چنان‌که گزارش سفرهایش در سال ۱۸۳۸ و ۱۸۴۰، یعنی؛ «سفر یک زمستان (تارتار) از استانبول به تهران، با سفرهایی به مناطق مختلف ایران» (۲ جلد، لندن، ۱۸۳۸). و «سفرهایی در کردستان، بین‌النهرین، و غیره»، شامل: گزارشی از بخش‌هایی از کشورهای که تا کنون توسط اروپایی‌ها بازدید نشده، همراه با طراحی‌هایی از شخصیت‌ها و منسقبایلی کرد و عرب (۲ جلد، لندن، ۱۸۴۰)، منتشر شد. هر دو کتاب حاوی اطلاعات بسیار دقیقی در مورد مکان‌ها، آثار باستانی، مناظر، و مهم‌تر از همه؛ برخی از اقوام ساکن ایران-ترکمن‌ها، گیلانی‌ها، کردها و عرب‌ها- است، که در آن زمان تقریباً برای غرب ناشناخته بودند. این کتاب‌ها همچنین شامل گزارش‌های مختصر هم‌زمانی از مشکلات ناشی از مرگ عباس میرزا و فتحعلی‌شاه، و کشمکش بر سر سلطنت است. همچنین کتاب دیگر او؛ «بین‌النهرین و آشور، از اولین دوران تا زمان حاضر» (ادینبورگ، ۱۸۴۲)، از دیگر آثار دانشنامه‌ای مفید در آن زمان است، و کتاب دوجلدی «روایت اقامت شاهزادگان فارسی در لندن در سال ۱۸۳۵ و ۱۸۳۶ با گزارشی از سفر آن‌ها از ایران و ماجراهای پس از آن» (لندن، ۱۸۳۸) اطلاعات مفیدی از روابط ایران و انگلیس ارائه می‌دهد.

ایران دوباره برای فریزر پس‌زمینه‌ی دو رمان تاریخی فوق‌العاده و طولانی را فراهم کرد؛

«علی نیمرو بختیاری ماجراجو: قصه لرستان» (سه جلد، لندن، ۱۸۴۲) و «شاهین سیاه: قصه ترک» (چهار جلد، لندن، ۱۸۴۴). دومی، به طور عمده در طول جنگ قدرت میان زند و قاجار در دیار ترکمن اتفاق می افتد و مشتمل است بر وقایع و حوادثی که، با توجه به اذعان فریزر در مقدمه ی کتاب؛ «همگی به لحاظ تاریخی درست است». آخرین کتاب فریزر؛ خاطرات دو جلدی دوست قدیمی وی، جیمز اسکینر، در دهلی بود به نام «بنیانگذار اسب اسکینر» (سواره نظام نامنظم معروف کمپانی هند شرقی) که تا حدی بر اساس خاطرات روزانه ی خود اسکینر، به زبان فارسی است (خاطرات نظامی ستوان. سرهنگ جیمز اسکینر. CB. ۲ جلد. لندن. ۱۸۵۱).

فریزر در سال ۱۸۳۵، پس از مرگ پدرش، پانزدهمین ملاک «رلیگ» شد. پس از پایان اشتغال وی در وزارت امور خارجه، او به خانه ی پدری، در اسکاتلند، بازگشت و خود را وقف نوشتن، امور محلی و بازسازی املاک وسیع، اما مقروض خود، کرد. وی در این زمان مکاتبات جالب توجهی با دوست خود جان مک نیل، که هنگام ترک ایران در ادینبورگ اقامت گزید، داشت. سرانجام فریزر در ۲۳ ژانویه ۱۸۵۶ در «مونیاک» درگذشت و در آرامگاه خانوادگی اش، در نزدیکی «کرخیل»، به خاک سپرده شد.

هر چند رمان های تاریخی او مدت های مدیدی است که دیگر خوانده نمی شوند، اما سفرنامه هایش منبع مهمی از اطلاعات است. از آن جا که فریزر در کتاب هایش «تصویری راستین از تمام جنبه های زندگی نوین ایرانی» به دست داده بود، لرد کرزن او را ستایش کرده و آثار او را «بهترین و قدرتمندترین آثار، غیر قابل مقایسه، در مورد ایالت های شمالی ایران» دانسته است. فریزر از لحاظ سیاسی، یک شاهین بود (که چیزی از چشمان تیز بینش پوشیده نمانده)، اما ایده های او اغلب نه درست بود و نه عملی. در بهترین حالت از او به عنوان «مسافری بی باک، اما با دقت» یاد می شود که از طریق حس کنجکاوی و سعی و کوشش، به افزایش دانش معاصر در مورد سرزمین هایی که بدان جا سفر کرده بود، کمک کرد.

از میان سفرنامه ها، گزارش ها و رمان های تاریخی فریزر، تنها چند مورد بیشتر ترجمه نشده است. گروه ترجمه مؤسسه فرهنگی میرداماد، ترجمه ی بخش های مربوط به استرآباد در سفرنامه های فریزر و نیز رمان هایی که مربوط به فضای مکانی و موضوعی استرآباد و دشت ترکمن است را در دست ترجمه دارد. در این شماره نخستین گزارش های سفر فریزر به استرآباد معرفی خواهد شد.

#### معرفی کتاب

کتاب «سفر و ماجراجویی در ایالت های ایرانی سواحل جنوبی دریای خزر»، که در سال ۱۸۲۶ در لندن منتشر شده، شرح ماجراجویی های شخصی فریزر در بخش هایی از ایران است، که در آن زمان، در بین اروپائیان کمتر شناخته شده بود. عمده تفاوت این کتاب با

کتاب‌های قبلی نویسنده، در این است که؛ وی در این کتاب بیشتر از این که به جزئیات تاریخی و آماری بپردازد، به شرح ماجراجویی‌های شخصی‌اش، که در سال ۱۸۲۱ آغاز شده، پرداخته است. این کتاب شامل شرح مسافرت فریزر در سواحل جنوبی دریای خزر است که در ۳۸۴ صفحه و در قالب ۲۲ فصل تنظیم شده و از این ۲۲ فصل، فصل اول و دوم به توصیفات فریزر از منطقه استرآباد تا مازندران تعلق دارد. در فصل آغازین کتاب، شرح ورود فریزر به استرآباد و توصیف وی از استرآباد آمده- از خاستگاه نام شهر گرفته، تا سیمای شهر، بازار، خیابان‌ها، کاخ و چهره‌ی روستاهای اطراف آن- فصل دوم شرح عزیمت وی از استرآباد به سمت مازندران است. در این فصل توصیفات وی از مشاهداتش از جاده‌ی شاه عباسی، روستای کردمحلّه، نوکنده، تا پیشروی وی به سمت اشرف (بهشهر)، توصیفات هانوی از کاخ این شهر و وضعیت کنونی آن، کارهای شاه عباس در اشرف و خلیج گرگان را می-توان خواند. فصل سوم تا هشتم؛ به توصیفات وی از شهرها، مناظر طبیعی و آداب و رسوم مردم مازندران تعلق دارد. از اواخر فصل هشت تا فصل شاهانزده؛ مشاهدات وی از شهرهای گیلان، مردم، تجارت و داد و ستد آن‌ها و بیماری‌هایشان ثبت شده است. فصل هفدهم؛ در مورد چگونگی عزیمت وی به آذربایجان و دستگیری‌اش در آن‌جا، به عنوان جاسوس روسی، و بازگرداندنش به رشت است. فصل هجدهم؛ اقامت وی در گیلان در ایام عید نوروز را توصیف می‌کند. فصل نوزدهم و بیستم؛ شرح سفر وی از انزلی به اردبیل را دربر دارد. و در نهایت دو فصل آخر؛ در مورد اقامت وی در تبریز و اتفاقاتی که در زمان اقامت در آن جا رخ داده، است. این کتاب همچنین شامل ضمیمه‌ی ارزشمندی از اسکس‌های زمین‌شناسی مناطق مذکور بوده و در بخش پایانی آن، منابع تجاری ایرانیان نیز در قالب جداولی تنظیم شده است.

#### بخشی از متن سفرنامه‌ی فریزر

فریزر در زمان ورود به استرآباد، ضمن توصیف این شهر به ذکر تفاوت‌های آن، با سایر نقاطی که از ایران دیده، پرداخته است: «چهره‌ی استرآباد، به همان اندازه که کشورهای همسایه از یکدیگر متمایزند، متفاوت از شهرهای جنوبی و استان‌های پرآوازه‌ی ایران است. نه تنها جنگل و درخت زارانبوه در هر سوی تا خندق کشیده شده‌اند، بلکه باغ‌های وسیع و درختان متعدد ممزوج در همه‌ی محلات شهر، با ساختمان‌های آن، مکانی تأثیرگذار، رضایت‌بخش و متنوع ایجاد می‌کند که در تضاد با سیمای سترون و یک‌نواخت دیوارهای خاکستری گلی و بام‌های شهرها و روستاهای جنوبی است».